

## جاده

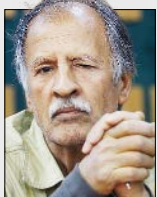
## لبخند هایت جاودانه شد

یاد و خاطره زینب علیپور طهرانی، خبرنگار خستگی ناپذیر و دوست وفادار جامعه رسانه‌ای

پایان پدر  
«پدر خوانده»مگالوپولیس جدیدترین فیلم فرانسیس فورد کاپولا  
آشکارا به سفارش جریان فراماسونری ساخته شده استنشر  
پاسوز قاجاق کتابنادر قدیانی معتقد است به جای حمایت مستقیم  
باید از ترویج کتابخوانی در مدارس حمایت کردروضة  
موروثی مادر«فاطمه مهدیلو» از زمان شهادت پسرش  
بسطا روضه خوانی را جمع نکرده است

## دوشنبه‌نویشته‌ها

## سینمای بی‌کتاب در جامی زند!؟

محمّد تقی فهمیم  
منتقد سینما

پنجشنبه گذشته، روز کتاب و کتاب‌خوانی بود. شاید لازم باشد که برای چندمین بار اشاره کنم که سینمای ایران از قفسه‌ها

دستمایه‌های غنی و عمیق در رنج است. عدم ارتباط سینما با ادبیات بی‌تردید به عوامل مختلفی بستگی دارد ولی حتما بخشی از این آسیب گل‌درشت به کمبود مطالعه در بدنه سینما برمی‌گردد. دقتی در رزومه فیلمسازان شاخص نشان می‌دهد که اهل کتاب و کتابخوانی بوده‌اند. به‌تاکید باید گفت که این کمبود مطالعه فقط سینما را از متن و دستمایه‌های اقتباسی محروم نکرده است بلکه باعث شده تا تکلیت سینمای ما فقط در دایره قسه‌های ضعیف و بی‌اندیشه و فاقد حرف حسابی دور بزنند. اغلب فیلم‌ها از تحلیل و نگاه در زمینه‌های متنوع تاریخی/ادبی و فلسفی/اجتماعی محروم هستند، درحالی که سینمای موفق جهان از جمله «هند» در بطن و لایه‌های مختلف خود، بسیاری گفتنی دارد. برای نمونه به یکی از آثار می‌پردازم تا ببینید این الگوی فیلمسازی مردمی در هند، چرا همچنان می‌درخشد. به احتمال قوی شما بیننده فیلم «گلستان» از تلویزیون بوده‌اید. فکر می‌کنم برای دفعه ششم یا هفتم در سال جاری است که فیلم گلستان ساخته «دیوید داوان» محصول ۱۹۹۰ سینمای هند از شبکه نمایش پخش می‌شود. جالب است بدانید که این داستان برای نخستین بار در سال ۱۹۶۰ با عنوان «نابغه بی‌سواد» ساخته شد و سپس در سال ۱۹۶۷ به نام «مهربان» بازسازی شد و چنان مورد اقبال قرار گرفت که «گلستان» با هزینه دو‌گزاروپه‌ساخته و به‌فروش ۱۴ کرور در گیشه دست یافت. با یک حساب سرانگشتی از سال ۱۹۹۰ تاکنون شاید تلویزیون ایران بیش از ۲۰۰ بار این فیلم را نشان داده است؛ ترکیبی از کم‌دلی و ترازندی مثل همه فیلم‌های هندی دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی با آن دوبله‌های مهیج و دوست‌داشتنی که باعث کشش مضاعف می‌شود.

اما نکته‌ای که در این فیلم ساده و معمولی جلب توجه می‌کند، بهره بردن از ایده داستان حضرت

یوسف (ع) و ترکیب آن با باور به «کرشنا» در آیین «هندو» است که در شخصیت اصلی فیلم یعنی کرشنا تجلی می‌یابد. کرشنا یک اسم خوش‌آهنگ و محبوب هندو است. سیر ماجرای شخصیت اصلی فیلم در رسیدن به ثروت و مکتب پس از حسادت سوزهای ناتنی (فرزندان صاحب‌چی)، و عبور از دوران سختی و فقر، یادآور داستان یوسف (ع) است. در فیلم کدهایی واضح از آن به چشم می‌خورد، که با اعتقاد هندوها به کرشنا (نماد عدالت و حکمت) درهم آمیخته است.

لرد کرشنا یکی از مورد احترام‌ترین خدایان هندو است. او یکی از تجسم‌های الهه ویشنو نیز هست و با مولفه‌هایی چون خرد، شجاعت و شفقت شناخته می‌شود. او اغلب با قلویت در دست در حال ناوختن ملودی‌های خوش‌آهنگ به‌تصویر کشیده می‌شود. هند، به سرزمین هفتاد و دو ملت ملقب است و هندوها، مسلمانان و ادیان دیگر در کنار هم زندگی می‌کنند. در اواخر دهه ۸۰ میلادی (یعنی کمی قبل‌تر از ساخت گلستان) بین مسلمانان و هندوها تنش شدید بر سر زمین مسجد «باثری» شکل گرفت که هندوها معتقد بودند که روی معبد «رام» ساخته شده و این تنش‌ها در سال ۲۴۰۰ دوباره با انتشار کلیپ‌هایی از خشونت خیابانی علیه مسلمانان سرریز آورد. هدفم واکاوی این ماجرا نیست اما با دقت در فیلم گلستان می‌توان با تحلیلی نشانه‌شناسانه حسن‌نیت سازندگان فیلم را درک کرد که همه ادیان موجود در سرزمین هند را با خلق شخصیت کرشنا (صلح‌طلب و جویای عدالت) پرداخته است. هر چند هند و هر جامعه دیگری تا تبدیل شدن به گلستان و رسیدن به مقصد ایده‌آل خود فاصله دارد اما گام برداشتن سینما در این زمینه را باید ستود.

باگرددیم به مطلع این مطلب، چرا سینمای ما به‌دور از چنین لایه‌بینی‌هایی است؟ جز این است که بدنه فیلمسازی ما از عرصه ادبیات قدیم و جدید فاصله دارد؟ اگر مروری بر آثار به‌نمایش درآمده طی یک دهه اخیر سینمای ایران صورت گیرد بعید است که بتوان چند مورد فیلم‌هایی را رصد کرد که در عین داستان‌پردازی ساده عامه‌فهم، متنی پرویمیان از محتوای راضی‌کننده برای مخاطبان جدی‌تر نیز داشته باشد. آیا به شرایط و فضایی بازخواهیم گشت که کتاب در دستان هنرجویان (ایضا فیلمسازان) جای موبایل را بگیرد. از قدیم گفته‌اند آرزو بر جوانان عیب نیست!

## زاویه دید

همه میانسالان امروز که زمانی دهه ۶۰ بودند، خاطره روحانی خنده‌رویی را که با زبانی شیوا و خطی خوش، قصه‌های آموزنده برایشان می‌گفت و به آنان درس زندگی می‌داد، به یاد دارند؛ زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا راستگو. به‌تازگی کتابی براساس روایت زندگی این روحانی معلم منتشر شده که این کتاب با نام «قصه راستگو» درباره زندگی و قصه‌گویی‌های مرحوم شیخ، با محوریت تاریخ شفاهی و ادبیات کودک در نشست‌ی که به همت پژوهشکده اسناد سازمان و کتابخانه ملی ایران برگزار شد، به نقد و بررسی کارشناسان گذاشته شد.

این نشست که با حضور هادی قبادی، پژوهشگر پژوهشکده اسناد ملی این سازمان و تدوینگر کتاب و مصطفی رحماندوست، پژوهشگر و نویسنده برگزار شد؛ به بررسی ابعاد تربیتی و فرهنگی کتاب و نقش راستگو در نهادهای سازی قصه‌گویی دینی و اخلاقی اختصاص داشت. سودابه نودری، عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نیز دبیری نشست را برعهده داشت.

## خطرات تلویزیونی ارزشمند

در آغاز این نشست سودابه نودری، ریر نشست، با تأکید بر اهمیت تاریخ شفاهی در

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گفت؛ کتاب قصه راستگو، اثری ارزشمند در حوزه تاریخ شفاهی است که یکی از موضوعات کلیدی در این سازمان به‌شمار می‌آید. به عنوان یک کتابدار، معتقدم آثار تاریخ شفاهی بر پایه واقعیت‌ها شکل می‌گیرد و به نوعی زندگینامه‌هایی خودنوشت هستند که با همت پژوهشگران تدوین می‌شود. این کتاب با گردآوری قصه‌هایی از آموزه‌های دینی و قرآنی برای کودکان، توانسته محتوایی جذاب و آموزنده ارائه دهد.

نودری همچنین به شخصیت مرحوم راستگو، به‌عنوان محور اصلی کتاب، اشاره کرد و افزود؛ برای بسیاری از ما، نام آقای راستگو تداعی‌کننده خاطرات تلویزیونی ارزشمندی است. او با سبک خاص و منحصربه‌فرد خود نه تنها کودکان بلکه مخاطبان بزرگسال را نیز

مجدوب قصه‌گویی‌هایش می‌کرد. نگارش این کتاب گامی ضروری در جهت حفظ و معرفی فعالیت‌های این چهره برجسته است.

## آثار توسل به حضرت زهرا (س)

محمد قبادی، مسئول تدوین و انتشار کتاب قصه راستگو در ادامه به جنبه‌های انسانی و فرهنگی شخصیت مرحوم راستگو اشاره کرد و یادآور شد که این ابعاد شخصیت ایشان بخشی از خاطرات و مسائل شخصی‌اش کار دشواری بود، به‌ویژه که ایشان تمایلی به اشتراک‌گذاری برخی از جنبه‌های شخصی و معنوی زندگی خود نداشتند.

## نظر راستگو درباره قصه

مصطفی رحماندوست، نویسنده و منتقد ادبی، در نقد کتاب قصه راستگو با تأکید بر

## کتابی آموزنده حتی برای بزرگسالان

مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده در این نشست گفت؛ کتاب قصه راستگو به‌گونه‌ای نوشته شده که به‌رغم سادگی ساختار داستان، مفاهیم اخلاقی عمیقی را به مخاطب منتقل می‌کند؛ به‌ویژه مفاهیم صداقت و عدالت به‌صورت ملموس و قابل درک در داستان‌ها به نمایش گذاشته شده است. این ویژگی‌ها به مخاطب این امکان را می‌دهد که خود را در موقعیت‌های اخلاقی مشابه قرار داده و درباره انتخاب‌های اخلاقی خود تأمل کند. وی همچنین بیان کرد که کتاب «قصه راستگو» نه تنها برای کودکان و نوجوانان، بلکه برای بزرگسالان نیز می‌تواند آموزنده و تأثیرگذار باشد. وی افزود؛ هر داستان در این کتاب به شیوه‌ای منحصربه‌فرد، مفاهیم اخلاقی عمیقی را منتقل می‌کند که برای همه سنین، از کودکان گرفته تا بزرگسالان مفید است و می‌تواند در پرورش نسل‌هایی با پایه‌های اخلاقی محکم‌تر و رفتارهای درست نقش مهمی ایفا کند.

اهمیت سبک نگارش و محتوای این اثر، آن را کتابی تأثیرگذار و آموزنده معرفی کرد. به گفته وی، کتاب قصه راستگو نه تنها در زمینه داستان‌سرایی، بلکه از نظر پیام‌های اخلاقی نیز اثری برجسته است که می‌تواند مخاطب را به تفکر و تأمل وادارد. این نویسنده کودک و نوجوان در بخش دیگری از سخنان خود به همکاری‌اش با شخصیت‌های برجسته در عرصه ادبیات کودک و تأثیر آنها بر تفکراتش اشاره کرد و گفت؛ راستگو از جمله کسانی بود که نگاه ویژه‌ای به داستان‌گویی داشت و همواره تأکید می‌کرد که داستان‌ها باید به‌روز و در ارتباط با دنیای امروز باشد. رحماندوست سپس به نقل قولی از راستگو پرداخت و گفت؛ راستگو همیشه می‌گفت که داستان باید هم آموزنده باشد و هم جذاب و تأثیرگذار. داستان‌ها باید بتوانند در دل مخاطب رخنه کرده و او را به تفکر و تأمل وادارند. وی در پایان سخنان خود به جایگاه ویژه داستان‌گویی در دنیای امروز اشاره کرد و گفت؛ داستان‌گویی نه تنها یک ابزار سرگرمی است، بلکه یکی از مهم‌ترین روش‌های انتقال مفاهیم فرهنگی، انسانی و اجتماعی به نسل‌های مختلف است. در دنیای امروز که ارتباطات با سرعت بالایی در حال تغییر است، داستان‌گویی می‌تواند مانند پلی عمل کند که نسل‌ها را به هم متصل کند. ما باید بیشتر به این هنر توجه کنیم و آن را در سطح وسیع‌تری گسترش دهیم.

## نهادهای سازی قصه‌گویی دینی

در پایان این نشست غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، با تأکید بر پیشگامی مرحوم شیخ علیرضا راستگو در عرصه ادبیات کودک و نوجوان نقش بی‌بدیل او را در نهادهای سازی قصه‌گویی دینی و تربیتی برای کودکان در ایران ارج نهاد و از شخصیت‌های برجسته دیگری چون مرحوم محمود حکیمی و رحمانی یاد کرد و با تأکید بر تأثیرات این پیشگامان در شکل‌دهی ادبیات دینی برای کودکان و نوجوانان، گفت؛ این شخصیت‌ها با آثار خود مسیر جدیدی در عرصه ادبیات کودکان و نوجوانان دینی گشودند و دستاوردهایی که امروز در این حوزه مشاهده می‌شود، به نوعی مرهون تلاش‌های ایشان است.